نظریه های عاشــورا

مهدی علیزاده سورکی



بسم الله الرحمن الرحیم

نظریه های عاشورا

نویسنده:

مهدی علیزاده سورکی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نظریه های عاشورا

مشخصات کتاب

نویسنده : مهدی علیزاده سورکی

ناشر : مهدی علیزاده سورکی

تقدیم

به او که فضل خدا بود بر تارک زندگی امو نشان اصالت سهمیکه از حیات برده ام.

مقدمه

السلام علیك یا اباعبداللهدر این اثر، شما بیان مختصری از شش نظریه ی تحلیلی درباره ی حرکت جاودان امام حسین علیه السلام را ملاحظه خواهید فرمود. این نظریه ها، از میان نظریه های موجود، گزینش شده اند. ویژگی همه آن ها این است که می توانند صورت منطقی بگیرند و از سوی دانشوران پذیرفته شوند، در برابر نظریه هایی که پذیرش آن ها در باور منطق و خرد نمی گنجند و یا آن که بعید و دشوار می نمایند. [۱] .شیوه ی ارائه نظریه ها بدین گونه است که ابتدا صورت نظریه به طور مختصر بیان می شود و پس از آن مفاهیم مندرج در آن شرح می گردند، البته اگر نیاز به شرح داشته باشند. و سپس مبانی نظریه که از نظر منطقی، [صفحه ۸] مقدمات اثبات آن به شمار می روند، بیان می شوند. و سرانجام، با بیان نقد نظریه، بحث درباره ی آن به پایان می رسد.بسیار مهم است که بدانید هر نظریه طوری بیان شده که گویی تنها نظریه ی درست در تفسیر حرکت عظیم عاشورا است. از این رو، به هنگام بیان نظریه، هیچ گاه عقیده ی نویسنده دخالت داده نشده، بلکه نظریه به همان گونه عرضه شده است که در صورت اتفاق صاحب آن ارائه می داد.حتی نقد نظریه ها نیز به هدف ابطال آن ها انجام نشده، بلکه در هر نقد تنها نقاط قوت و ضعف آن شمارش شده است.پیش از آغاز مطالعه توجه به نکته های زیر لازم است:۱- مؤلفه ها و مبانی هر نظریه، فهرست شده اند، توضیح تفصیلی هر یک و همین طور درک وابستگی هر یک با اصل نظریه را به ناظران فرهیخته واگذار کرده ایم.

هر مؤلفه و مبنا، با علامت ستاره مشخص شده است.۲- لازم است که نظریه ها، معارض با یکدیگر دیده نشوند، بلکه باید دانست که هر نظریه، راهی است برای دست یافتن به حقیقت حرکت عاشورایی، و هیچ کدام باورهای مسلم دینی را طرد نمی کنند.۳- در تحلیل هر حادثه ای تاریخی، زمینه ها، عوامل، انگیزه ها، برنامه ها و اهداف آن کنکاش می شود.این نکات را باید در تحلیل جامع هر حادثه ای که انتخاب در ایجاد آن [صفحه ۹] نقش اساسی ایفا کرد، در نظر داشت. ولی از میان این محورها، «هدف» مهم ترین است.«هدف» گرچه در حین بررسی آخرین عنصری است که برای محقق کشف می شود لکن ایده ی اجمالی آن، و به عبارت دیگر تئوری خام آن، ابتدا در ذهن پژوهشگر می شکفد و به تحقیق او جهت می دهد و سپس تفسیر سایر عناصر، به تناسب آن صورت می بندند.به همین سبب، شما در نوشته ای که پیش روی دارید، فقط عنصر هدف را در نظریه ها ملاحظه خواهید فرمود. و به دیگر عناصر، جز به ضرورت، پرداخته نخواهد شد. لذا برای دریافت توضیح بیش تر درباره دیگر عناصر متناسب با هر نظریه تحلیلی باید به کتاب ها تفصیلی مراجعه شود.و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته مهدی علیزاده سورکی زمستان ۷۸ [صفحه ۱۳]

نظریه ی تعبد

اشاره

آن کس که از نظریه ی تعبد جانبداری می کند، چنین می اندیشد که تعبد به اجرای فرمان الهی موجب شد تا امام حسین علیه السلام از سر تسلیم پای در راه نهد و حرکت عاشورایی را آغاز کند.خدای تعالی فرموده بود که حضرتش قامت برافرازد و از شهادت خود و یارانش و نیز از اسارت اهل بیتش سر برنتابد. [۲] .

مؤلفه های نظریه

- فهم درست نظریه منوط بر آن است که «امام حسین» علیه السلام چنان شناخته شود که در باور شیعیان حضور دارد. آن حضرت در باور شیعیان، بسان تندیسی است از کمال انسانی که هیچ کم ندارد، به طوری که ابعاد وجود ایشان، از فرط کمال به تمامی برای آدمی روشن نمی شود و جز خدای تعالی کسی به خوبی از عهده ی فهم کمالات ایشان برنمی آید. با [صفحه ۱۴] این حال در عبودیت نیز چنان است که جز با رضا و اراده ی خدای تعالی هیچ نمی کند.در باور شیعیان چنین کسی «امام» خوانده می شود. [۳] .- تأملی مضاعف در معنای «تعبد» نیز خالی از فایده نیست. تعبد یعنی انجام عمل تنها از باب تسلیم، هر چند که انجام دهنده به مصلحت حاصل از انجام آن، آگاه نباشد. از نظر شیعه تنها می توان به فرمان های خدای تعالی و معصومان، تعبد داشت. [۴] .

مبانی نظریه

- «امام» همه ی احکام الهی را می داند، [۵] بنابراین، اگر در موردی [صفحه ۱۵] فرمانی از خدای تعالی وجود داشته باشد، به هیچ روی از دایره ی دانایی «امام» بیرون نخواهد بود.بدون این مبنا نظریه ی تعبد را نمی توان سامان داد، بلکه آن نظریه بر این استوار است که فرمانی بوده است و امام حسین علیه السلام بدان آگاهی داشت.- «امام» فرمان های آسمانی را بزرگ می شمارد. او به توفیق عصمت، هیچ گاه به نافرمانی در نمی غلطد. [۶] .- در همان آغاز حرکت، سرانجام آن، برای امام حسین

علیه السلام معلوم بود.- «امام» که بر قله ی کمال انسانی جای دارد از بطالت عبث و کثافت کینه و حقارت عناد به دور است.در حقیقت نفی بیهودگی، کینه

و لجاجت در وجود متعالی «امام» زمینه ای فراهم می آورد که در آن نظریه تعبد، جلوه نماید و با توفیق تمام [صفحه ۱۶] از عهده ی توجیه حرکتی که پایان آن در ابتدا معلوم و ناخوش است، برآید.بنابراین، با پذیرش آگاهی امام حسین علیه السلام از انجام حرکت، در صورتی راه به نظریه ی تعبد باز می شود که توجیه های دیگر مبتنی بر امور یاد شده برای چنین کاری که از همان ابتدا، انتهای غم آلود پیدا بود، ممکن نباشد. فی المثل نتوان گفت با انجام کاری که می دانست انجام خوش ندارد، به بیهودگی در افتاد. یا آن که می خواست کینه ی خود را تسکین دهد و با انجام کار بی سرانجام ولو به بهایی گزاف دشمن را به زحمت اندازد. یا آن که از روی لجاجت می خواست بر خلاف میل دشمن اصرار ورزد.

نقد نظریه

از دید این نظریه، حرکت عاشورایی، به دلیل آن که سرانجامش در آغاز پیدا بود، در حوصله ی تدبیر نمی گنجید. بدین جهت راهی برای توضیح آن حرکت باقی نمی ماند که در خور شأن والای امام علیه السلام باشد، جز تعبد. بنابراین حرکت ایشان نه از شوق برنامه و هدف، بلکه از لذت رضایت پروردگار نیرو می گرفت.پس دو نکته ی مهم در این نظریه وجود دارد که بایستی به توضیح برسد. یکی علم امام علیه السلام و دیگر وجود فرمان الهی که زمینه ی اظهار تعبد را برای امام حسین علیه السلام فراهم می ساخت.درباره ی علم امام حسین علیه السلام باید گفت که راه آن حضرت برای نیل به [صفحه ۱۷] آن دانایی تنها به علم امامت منحصر نبود، بلکه می توان پیش گویی های معتبری را از منابع تاریخی و دینی

به دست آورد که پیشاپیش از پایان کار عاشورا خبر می داد و امام حسین علیه السلام از همه ی آن ها آگاه بود. [۷] .برای نمونه سید بن طاووس در لهوف خطبه ای را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت بر فراز منبر، از شهادت فرزندش حسین علیه السلام سخن گفت و اندوه خود را اظهار نمود و حاضران نیز از اندوه پیامبر صلی الله علیه و آله متأثر شدند. و نیز از امام حسین علیه السلام نقل کرد که فرمود:«پدرم (علی علیه السلام) به من خبر داد که رسول خدا صلی الله علیه و آله از شهادت من و او خبر داده و فرموده است که قبر من نزدیک قبر پدرم خواهد بود و...»از این رو، توفیق نظریه ی تعبد، در گرو اتخاذ موضعی کلامی در مورد «علم امام» علیه السلام و در انحصار آن نیست.بنابراین، بحث درباره ی نظریه ی تعبد با بحث کلامی درباره ی «علم امام» علیه السلام ارتباط منطقی ندارد. شگفت است که دسته ای از نویسندگان که درباره ی نظریه تعبد بحث کرده اند، مسأله را به بحث کلامی درباره ی «علم [صفحه ۱۸] امام» علیه السلام پیوند زده اند. [۸] گو این که بدون پذیرش علم بی نهایت امام علیه السلام، نظریه ی تعبد، روی توفیق نخواهد دید.البته اگر کسی، گذشته از ظواهر تاریخی، بلکه با تکیه بر ایمانی راسخ، علم امامت را چنان ببیند که امام را از مراجعه به پیش گویی های معتبر بی نیاز می سازد. [۹] برای تفسیر عاشورا، راهی جز نظریه ی تعبد، پیش رو ندارد. [۱۰] . [صفحه ۱۹] و اما فرمان الهی، از دو راه می تواند کشف شود:الف) از راه «ان»؛یعنی

از راه نبود تفسیری حکمت پسند برای حرکت عاشورایی و یا نیافتن آن، پی برده می شود به وجود فرمان الهی و تعبد به اجرای آن.ب) از راه قاعده ی مکتبی؛در باور شیعه اصلی است که می گوید: «درباره ی هر کاری تکلیفی وجود دارد.» [۱۱] .گفتنی است که اگر وجود فرمان ولو از راه عمومیت تکلیف، کشف و اثبات شود، به تنهایی کافی است که نظریه ی تعبد در مورد حرکت امام [صفحه ۲۰] معصوم علیه السلام که زمینه های کارکرد متعبدانه به تمامی در ایشان فراهم است، وجهه ی منطقی پیدا کند، بی آن که به بحث های کلامی درباره ی «حدود علم امام» نیاز افتد. [صفحه ۲۵]

نظریه ی انقلاب

اشاره

در نظریه های انقلاب، براندازی خلافت اموی، مورد تأکید و در رأس هدف امام حسین علیه السلام قرار می گیرد. البته آن حضرت بی تردید در پی گیری این هدف، تنها به ایفای رسالت الهی، نظر داشت [۱۲] .

مؤلفه های نظریه

– خلافت؛شأنی از شؤون امامت عامه ای است که خدای تعالی به شخص امام علیه السلام می بخشد. [۱۳] البته باتوجه به مفهوم اعطا، امامت می شود «مقام» یا «منصب» ولی امامت تنها یک منصب نیست، بلکه اگر در رابطه با خدای تعالی دیده شود، همانند نبوت، رسالت و وظیفه ی الهی نیز هست. [صفحه ۲۶] تعالی دیده شود، همانند نبوت، رسالت و وظیفه ی الهی نیز هست.

مبانی نظریه

– در آن زمان، ولو به تدریج، ممکن بود که دستگاه خلافت برچیده شود.به بیان روشن تر، وقتی می توان به نظریه ی انقلاب رسید و هدف امام حسین علیه السلام را انقلاب و براندازی دانست که پیش از آن، امکان براندازی خلافت اموی، به یاری شواهد تاریخی، اثبات شده باشد. در غیر این صورت، نظریه ی انقلاب و سخن گفتن از براندازی به عنوان هدف امام حسین علیه السلام به گزاف خواهد بود.– هرگاه شرایط لازم برای ایفای کامل نقش امامت فراهم باشد، امام علیه السلام باید و یا آن که می تواند، به انجام وظیفه و رسالت الهی خویش، قیام نماید.البته جدا از حوزه ی امامت، تعهد به مکتب نیز به تنهایی کافی است که شخصی مانند امام حسین علیه السلام را به واکنش وا دارد.حال اگر امام حسین علیه السلام به گونه ای بود که نه وجوب انجام رسالت الهی و نه تعهد به مکتب، هیچ کدام، او را به هنگام فراهم بودن زمینه، به واکنش در برابر باطل وانمی داشت، سخن از نظریه ی انقلاب نادرست می بود.بنابراین، پیش از نیل به نظریه ی انقلاب باید حتمیت واکنش در [صفحه ۲۷] برابر باطل از سوی امام حسین علیه السلام، چه به انگیزه ی انجام رسالت الهی ناشی

از امامت و چه به جهت غیرت دینی، معلوم باشد.

نقد نظریه

توفیق نظریه ی انقلاب در گرو آن است که امکـان براندازی خلافت اموی اثبات شود. [۱۴] در این مورد، حتی اثبـات امکان براندازی حاکمیت اموی کوفه نیز کفایت می کند.شاید برخی بگویند: نظریه ی انقلاب و همه ی نظریه هایی که برای حرکت عاشورایی، هدف معین می کنند، نادرست هستند، زیرا نمی توان برای کسی هدف معین کرد که از همان آغاز تمامی اهداف ممکن الحصول را غیر قابل وقوع می بیند و پیشاپیش میداند که به هیچ یک از هدف های خود دست پیدا نمی کند، چنان که امام حسین علیه السلام چنین بود. پس چگونه می توان قصد براندازی، یا هر هدف دیگری را به [صفحه ۲۸] این است که امام علیهم السلام، گذشته از دانش آنان به سرانجام کارهایشان، در زندگی خود با توجه به علوم عادی، رفتار می کنند. [۱۵] .از این رو برای توفیق نظریه هایی هم چون نظریه ی انقلاب که به هدف های دینی، اجتماعی و سیاسی عاشورا می پردازند، لازم نیست که علم امام حسین علیه السلام به طور عام یا علم ایشان به سرانجام حرکت عاشورایی نفی گردد. این نظریه ها هیچ ارتباطی با مباحث کلامی مربوط به علم امام علیه السلام یا مباحث تاریخی مربوط به دانایی امام علیه السلام از راه پیش گویی هایی که دراختیار داشت، ندارند. چنان که پذیرش نظریه ی تعبد، بر مباحث مربوط به علم امام علیه السلام توقف نداشت و بدون آن نیز موفق بود.درباره ی نظریه ی انقلاب، باید دو نکته ی دیگر افزود:الف) نظریه ی انقلاب به گونه ای که تقریر شد، بر باورهای مذهبی شیعه تکیه دارد. اما می توان آن را به گونه ای دیگر نیز به تقریر کشاند که از باورهای

مذهبی فاصله دارد. در آن صورت باید گفت که امام حسین علیه السلام به عنوان انقلابی فداکار، خواست با براندازی بنی امیه و به دست گرفتن زمام امور مسلمانان، عدالت را در جامعه برقرار سازد. [۱۶] . [صفحه ۲۹] ولی این سخن، فروتر از شأن عظیمی است که امام علیه السلام بنابر باور شیعه از آن برخوردار است.بنابر اصول شیعی باید گفت امام حسین علیه السلام به حکم رسالت الهی اش وظیفه داشت که امویان را براندازد و امامت را برعهده گیرد و به «خلافت»ی بپردازد که از جمله ی مناصب الهی او بود.ب) برخی به غلط می پندارند که بدون نظریه انقلاب، حرکت امام حسین علیه السلام تفسیر معقول دیگری ندارد. ولی چنان که ملاحظه خواهید فرمود، نظریه های بدیلی هست که هر یک می تواند از عهده ی تفسیر آن حرکت تاریخی برآید. [صفحه ۳۳]

نظریه ی دفاع

اشاره

براساس نظریه ی دفاع، امام حسین علیه السلام در همه حال از مدینه تا کربلا، موضع دفاعی داشت. پاسخ به آرای عمومی مردم کوفه نیز، تدبیری دفاعی بود، برای دفع خطرهای احتمالی آینده و کسب موقعیتی ایمن تر. از این رو، حتی پس از به دست گرفتن امارت کوفه نیز، دست به هجمه علیه مرکز خلافت نمی زد.

مبانی نظریه

- بنی امیه با اعتماد بر قدرت قهرآمیز خود، امام حسین علیه السلام را مورد فشار قرار دادند تا از آن حضرت برای تأیید خلافت اموی، رأی بگیرند این تأیید به خلافت آنان مشروعیت می بخشید و از فعالیت های اعتراض آمیز امام حسین علیه السلام در آینده جلوگیری می کرد.در این صورت، رفتار بنی امیه حالتی هجومی پیدا می کند و طبعا «دفاع» از ناحیه ی امام حسین علیه السلام به خوبی تصور می شود. بدون وجود هجمه و اثبات آن نمی توان به دفاع رسید و نظریه ی دفاع را اثبات کرد.به عبارت دیگر، برای آن که نظریه ی دفاع سامان یابد، پیش تر باید وجود هجوم اثبات شده باشد. [صفحه ۳۴] امام حسین علیه السلام، بیش از دو راه پیش روی نداشت، مقاومت یا تسلیم در برابر فشار. مبارزه و قیام به منظور غلبه بر قدرت حاکم، نیاز به نیرو و امکانات برتری داشت که در آن روز فراهم نبود.با توجه به این که براندازی خلافت اموی به دلیل بی لیاقتی و فساد ضرورت داشت، «دفاع» در صورتی درست بود که براندازی ممکن نبوده باشد. وگرنه با وجود امکان براندازی و مبارزه تا غلبه بر حاکمیت غیر اسلامی، دفاع معنی نخواهد داشت. بلکه نوعی ضعف نیز شمرده خواهد شد که از ساحت عظیم امامت به دور است و

حتی با شأن مؤمن متعهد نیز سازگار نیست.از این رو، برای تنظیم نظریه ی دفاع باید امکان براندازی را منتفی دانست. اساسا کسی که از قدرت برتر برخوردار است معنی ندارد که به دفاع روی آورد.- تسلیم شدن و در نهایت، تأیید مشروعیت خلافت خاندان بنی امیه، عملی بود در خلاف مصالح اسلام و امت اسلامی؛ به ویژه آن که تسلیم در مراحل پایانی حرکت، آمیخته با ترس و پذیرش اجبار می شد که به فرموده ی آن حضرت خدای تعالی برای ایشان نمی پسندید.یعنی اگر تسلیم شدن، مفسده ای به دنبال نداشت، ناچار می بایست تسلیم می شدند و همانند بعضی از امامان دیگر علیهم السلام وجود شریف خود را برای استفاده ی امت حفظ می نمودند. و دست کم با تقیه، مصلحت قوی تر [صفحه ۳۵] را برای اسلام کسب می کردند.به ناچار، نظریه ی دفاع نیاز به آن دارد که تسلیم و پذیرش حاکمیت اموی به هیچ روی نه به دلیل دینی و نه به دلیل سیاسی، منطقی ننماید.

نقد نظریه

قدرت قاهره ی بنی امیه، با شکست بی گانه بود و هیچ قدرتی نمی توانست با آن رویارویی کند. این مطلبی است که اثبات آن تأثیر تمام در توفیق نظریه ی دفاع دارد.درباره ی نظریه ی دفاع باید دو نکته ی دیگر افزود:الف) بعضی به غلط گفته اند که امام حسین علیه السلام راهی جز پافشاری و تسلیم نشدن پیش روی نداشت و به عبارت پافشاری آن حضرت از سر اجبار بود. یعنی چون می دانستند که در هر حال، چه تسلیم شوند و چه بر رأی منفی خود اصرار کنند، سرانجامی جز شهادت ندارند، از این رو بالاجبار پافشاری را برگزیدند، نه از روی انتخاب و برای تأمین مصالح اسلامی، چنان که در مبانی یاد شده،

تسلیم ناپـذیری و پـا فشاری بر رأی منفی به انگیزه ی حفظ مصالـح اسـلام دانسـته شـد.ولی چنان که گفته شـد، پافشاری امام حسـین علیه السـلام در پاسخ منفی به خواست حاکمیت اموی، ناشـی از عنایت به تأمین اسـلام و امت اسـلامی و به پشـتوانه ی آزادگی ذاتی ایشـان بوده است و از سـر انتخـاب صورت گرفت، نه اجبـار. و تنهـا همین توضـیح بـا شأن عظیم آن حضـرت، [صفحه ۳۶] تناسب دارد. [۱۷] .پس امام حسین علیه السلام از سر انتخاب پافشاری در برابر خواسته های بنی امیه را برگزیدند و به تدابیر دفاعی روی آوردند.ب) «تقیه» که در اعتقادات شـیعی جایگاهی استوار دارد، برای حفظ اسلام است نه مسلمان. حال اگر اسـلام در خطر بود، مسلمان باید خطر آن را به جان بخرد و بقای مکتب را بر زندگی خود، ترجیح دهد. [۱۸] .از این رو، دیگر مجـالی برای این سـخن بـاقی نمی مانـد که تقیه [صـفحه ۳۷] می توانست امـام علیه السـلام را از خطر تعرضـات دشـمن مصون نگاه دارد و کار به تـدابیر دفاعی نکشد.پذیرش حاکمیت اموی ولو به صورت تقیه هیچ به مصـلحت اسـلام و مسـلمانان نبود، بلکه سـبب می شد که آن حاکمیت بدون مواجهه با هیچ اعتراضـی و حتی با کسب مشـروعیت از رأی کسانی چون امام علیه السـلام به راه خود ادامه دهـد و روزبه روز اسـلام را به نـابودی نزدیـک تر کنـد.در این موارد دیگر تقیه مشـروع نیست. [صفحه ۴۰]

نظریه ی اصلاح

اشاره

از منظر نظریه ی اصـلاح، امتناع از بیعت و حتی حرکت به سوی کوفه، اقـدامی اصـلاحی دیـده می شود. در این اقدام، مقصود آن بود که تفکر سیاسی مردم و حاکمان و نیز رفتار

سیاسی مردم مسلمان به موازات اصول اسلامی سامان یابد و اصلاح شود. اما خلافت بنی امیه اقدام اصلاحی را برنتافت و به سوء تدبیر چنان کرد که سرانجام فاجعه ای خونین برجای ماند. [۱۹] .

مؤلفه های نظریه

- «اصلاح»؛فعالیتی است سیاسی که در راستای تصحیح تفکر سیاسی و هنجار بخشیدن به عمل و رفتار سیاسی امت صورت می گیرد.گفتنی است مصلح در پی ایجاد تغییر بنیادین و دفعی (یکباره) در ساختار سیاسی جامعه با تکیه بر قدرتی غالب نیست، بلکه تنها در پی آن است که برنامه هایی را تدارک ببیند که به تدریج و سرانجام به تحول در [صفحه ۴۲] تفکر سیاسی و تغییر در ساختار حاکمیت می انجامد.

مبانی نظریه

- در این نظریه باید توفیق در اقدام انقلابی را دور از دسترس تصور کرد.بدیهی است که اقدام انقلابی با فرض امکان بر حرکت اصلاحی ترجیح دارد؛ زیرا با اقدام انقلابی، اهداف لازم الوصول، زودتر به دست می آید و عمر حاکمیت زیان بار کوتاه می شود. در نتیجه ویرانی و خسارت های مادی و معنوی ناشی از آن حاکمیت، زودتر به پایان می رسد.البته در بعضی از دوره ها، اقدام انقلابی، آثار زیانباری بر جای می گذارد که نمی توان هیچ توجیه منطقی برای انجام آن دریافت. در این صورت، اصلاح، بر انقلاب ترجیح انکارناپذیر دارد.ولی در عصر امام حسین علیه السلام بر اقدام انقلابی نه تنها هیچ آثار زیانباری بارنمی شد، بلکه ایشان علیه السلام می توانستند با قطع سریع سلطه ی غاصبانه ی بنی امیه، سرنوشت اسلام و امت اسلام را به سمتی بایسته تغییر دهند.به هر حال، برای توفیق نظریه ی اصلاح باید از دید تاریخی معلوم کرد که امام حسین علیه السلام راهی به سوی انقلابی موفق نداشتند و شرایط انقلاب فراهم نبود؛ زیرا اساسا معقول نیست که با وجود توانایی بر انقلاب موفق، انسان خود را به سیاست های اصلاحی سرگرم کند. [صفحه ۴۳] - شخصیتی چون امام حسین علیه السلام در

صورتی که زمینه را برای انجام کامل وظیفه ی الهی خود در برابر امت، فراهم نبیند، به انجام آن وظیفه، به قدر امکان، قیام می کند.

نقد نظریه

واکنش های اصلاحی وقتی صورت می بندد که اقدام انقلابی، غیر ممکن، نامعقول و یا مفسده آمیز باشد. از این رو، نظریه ی اصلاح، هم چون نظریه ی دفاع وابسته به اثبات ممکن نبودن اقدام انقلابی است.درباره ی نظریه ی اصلاح باید مطالب ذیل را افزود:الف) امام حسین علیه السلام نیز در فرموده های خویش، به مفهوم اصلاح اشاره کرده است.در فرموده ی معروف ایشان به صراحت، واژه ی اصلاح به کار رفته است و فرمودند: من برای اصلاح امت جدم حرکت خود را آغاز می کنم.ب) نظریه ی اصلاح با نظریه ی دفاع می تواند همنشین شود، زیرا انگیزه های دفاعی و انگیزه های اصلاحی می توانند اجتماع کنند.ج) نظریه ی اصلاح را می توان، ترجمه ای از اصل دینی امر به معروف و نهی از منکر تلقی کرد که از حس خیرخواهی ریشه می گیرد. بدین جهت، صبغه ی مذهبی حرکت امام حسین علیه السلام نیز ملحوظ می شود.د) انگیزه ی اصلاحی به معنی مخالفت دایمی و اصولی با اقدام های انقلابی نیست؛ زیرا یک فعالیت سیاسی اصلاحی، در صورت توفیق و نیل [صفحه ۴۴] به شرایط تازه و آماده تر، می تواند به اقدامی انقلابی بدل گردد.ه) امروزه نیز که جوامع انسانی رشدی بالنده دارند، مبارزه سیاسی را در برابر حاکمیت انحراف آلود ترجیح می دهند، لکن حاکمیت استبدادی اموی، فعالیت سیاسی مخالفان را تحمل نکرد، به ویژه آن که احتمال می داد حرکت امام حسین علیه السلام توفیق یابد و به بیداری مردم و فروپاشی حاکمیت اش بینجامد.و نیز در جامعه های معاصر، مبارزه ی سیاسی را با فعالیتی مشابه پاسخ می دهند، نه با عکس العمل قهرآمیز؛ زیرا تهاجم

نظامی اثری معکوس درپی می آورد. [صفحه ۴۹]

نظریه ی مدیریت

اشاره

در این نظریه حرکت امام حسین علیه السلام به منظور ارائه ی الگویی پایدار از جامعه ای بود که به رهبری معصوم اداره می شود، برای مقابله با جامعه ای جهانی با مدیریت یهودیان. [۲۰] .

مؤلفه های نظریه

مدیریت جهانی یهود

صهیونیسم گر چه در قرون هیجده و نوزده رخ نمود ولی اصول آن ریشه در تاریخ دین یهود دارد که شعار قوم برتر و دین برتر بیان گر آن است. یهود که فکر اداره ی جهان را در سر داشت، از راه پیش گویی های ناشی [صفحه ۵۰] از تعالیم آسمانی، دریافته بود که بزرگ ترین مانع در راه تسلط بر جهان، پیامبری خواهد بود که در جزیره العرب ظهور خواهد کرد.به حجاز، مهاجرت کردند تا با آن مانع عظیم مقابله کنند. اما پیش رفت روز افزون دین جدید آن ها را به اتخاذ موضعی انفعالی واداشت. سرانجام تصمیم گرفتند که در آن انحراف ایجاد کنند.اساسی ترین انحراف ایجاد شده از سوی آنان که با هدف های توسعه طلبانه ی آن ها نیز موافق بود، تحریف تفکر اصیل سیاسی در اسلام بود. [۲۱] .در اسلام مدیریت سیاس با محوریت معصوم، تعریف شده بود. و سرانجام، در روزگار بنی امیه، مسلمانان در نتیجه ی فعالیت یهودیان به خواب سیاسی عمیقی فرورفتند.

مبانی نظریه

- در روزگار بنی امیه، مسلمانان مدیریت توحیدی ولایی را از یاد برده بودند و فعالیت های سیاسی یهودیان، بی رقیب پیش می رفت.- در چنین شرایطی باید الگویی خونین ظهور کند تا صفیر حقانیت آن به اعماق وجود مسلمانان راه یابد و آن ها را از خواب گران بیدار سازد. [صفحه ۵۱]

نقد نظریه

جامعه ی ولایی شیعی که از تفکرات ناب و اصیل مذهبی نشأت می گیرد، بی تردید جای را برای اعمال سلطه های دیگران، تنگ می کند.از این رو، فعالیت های تشیع ستیزانه ای (به عبارتی دقیق تر اسلام ستیزانه ی) یهودیان معقول می نماید و می توان شواهدی تاریخی بر آن اقامه کرد.اما نکته ی مهم در این نظریه، تبیین نقش یهود در تاریخ سیاسی اسلام است. بعلاوه آن که درک فعالیت های تاریخی و منسجم یهودیان برای اداره ی جهان نیز متوقف بر تحقیق و مطالعه ای مستقل است.اگر بتوان اثبات کرد یهودیان بودند که مدیریت توحیدی ولایی را به انزوا کشاندند و خلافت سایرین را پدید آوردند «نظریه ی مدیریت» قرین توفیق خواهد شد.لکن هم چنان مؤلفه ی نظریه، یعنی «مدیریت جهانی یهود» را اذهان متعارف درنمی یابد و به

آسـانی فهم نمی کنـد. بنابراین، مفهوم «مـدیریت جهانی یهود» به توضـیحات بسـیاری نیاز دارد تا خود را با ذهن های متعارف آشـنایی دهد.با این حال، محال نیست کسـی بگوید دسـته ای به نام «یهود» از همان ابتدای پیدایش تا به حال و برای همیشه، با برنـامه ریزی دقیـق سـعی می کرده انـد کـه مـدیریت جهـان را بـه دسـت گیرنـد و بر همه ی جهانیـان [صـفحه ۵۲] حکمرانی کنند.گفتنی است مدیریت نظامی امام حسـین علیه السلام در کربلا اعجاب آور است، به گونه ای که بعید می نماید کسی جز معصوم علیه السلام بتواند در آن شرایط

بحرانی به آن دقت به تاکتیک های نظامی بپردازد. مدیریت نظامی عاشورا را به حق می توان جلوه ای از مدیریت معصوم دانست. [صفحه ۵۷]

نظریه ی تاریخی

اشاره

در نگرش تاریخی، امام حسین علیه السلام به عنوان نماینده ی کامل حق و جبهه ی اموی به عنوان تجسم تمام باطل، صحنه ای آفریدند که در آن شدیدترین و بارزترین رویارویی تاریخی حق و باطل به ظهور نشست.

مبانی نظریه

- تاریخ زندگی انسان، ابتدا با یک جبهه آغاز شده بود اما به تدریج زندگی مادی انسان ها را از هم جدا کرد و دو قطب متخاصم پدید آورد.این مبنا به احتمال در معلومات مذهبی ریشه دارد و از داستان آدم علیه السلام نشأت می گیرد. آدم علیه السلام و حوا، همسر ایشان، به دلیل زندگی بهشتی و معنوی شان هیچ نزاعی با هم نکردند. پس از هبوط، به تدریج زندگی مادی در فرزندانشان تأثیر گذاشت و هابیل را با قابیل رویاروی کرد.به هر روی، با توجه به این مبنا، همه ی تاریخ زندگی مادی انسان، همواره در معرض تخاصم و نزاع، میان حق و باطل هست. همه ی حق ها یک ماهیت دارند و همه ی باطل ها هم از یک سنخ هستند.بدین صورت میتوان تصور کرد که چگونه حسین علیه السلام به عنوان نماد حقیقت تاریخی به گونه ی مطلق ظهور می کند و یزید را به عنوان نماد [صفحه ۵۸] باطلیت تاریخی به گونه ی مطلق و رویاروی خود می بیند. و جنگ اجتناب ناپذیر تاریخی روی می دهد.- گر چه گاهی این دو قطب به دروغ به هم می رسند و از هم شناخته نمی شوند اما بیش تر تاریخ به نزاع های آشتی ناپذیر آن ها آمیخته است..این مبنا نیز به احتمال از باورهای دینی صاحب نظریه ناشی شده است. در تاریخ اسلام نمونه هایی بسیار از امتزاج شبهه آمیز و نیز از رویارویی شفاف میان حق و باطل وجود دارد.

صاحب این نظریه، در آثارش به هر کدام، به تفصیل اشاره کرده است.

نقد نظریه

در این نظریه، امام حسین علیه السلام، مظهر راستین چهره ی حقیقت طلب انسانی، شمرده شده است. ولی باید دانست که از این دیدگاه وقایع عاشورا، همه ی داستان تاریخ زندگی بشر نیست، بلکه نمادی است از یک امتداد تاریخی که در آن حسینیان و یزیدیان همواره با هم در نبرد هستند.قرآن شریف نیز به نزاع تاریخی حق و باطل اشاره می کند. همین طور درباره سرنوشت تاریخ نیز، مهدویت شیعی به دیدگاه تاریخی مندرج در این نظریه، کمک می نماید. در این نگرش، سرانجام تاریخ از آن حقیقت طلبان است.در زیارت عاشورا نیز به حادثه ی عاشورا و وقایع کربلا به گونه ی [صفحه ۵۹] تاریخی نگاه شده است. در عالی ترین فرازش خطاب به امام حسین علیه السلام چنین گفته می شود:انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم الی یوم القیامه:تا قیامت با کسی که با تو در آشتی است، آشتی می کنم و با کسی که با تو در جنگ است، می جنگم.چنان که ملاحظه میشود صلح و آشتی با آشتی کنندگان آن حضرت، در عبارت یاد شده، سیاستی تاریخی و دایمی تلقی شده است، و همین طور جنگ، با دشمنان ایشان. با آن که امام حسین علیه السلام به ظاهر عمری به درازای تاریخ ندارد تا آشتی کنندگان و جنگ کنندگان با او بازشناخته شوند. بی تردید با توجه به این عبارت، همه ی مظلومان تاریخ را باید چون حسین علیه السلام گرفت که آشتی کنندگان و جنگ کنندگان با آنان گویی که با امام حسین علیه السلام معامله می کنند.اما در این نظریه اهداف و برنامه های امام حسین

علیه السلام به تفصیل توضیح نمی یابند. گویا توجه به رویارویی اجتناب ناپذیر دو جبهه ی حق و باطل، نظریه پرداز را از پرداختن به عوامل جزئی بازداشت زیرا در نگرش تاریخی، متغیرهای جزئی و مقطعی در شکل گیری دید تاریخی تأثیر نمی گذارند، بلکه از دیدگاه تاریخی نگر، قواعد کلی حاکم بر تاریخ اهمیت دارند در پرتو آن حوادث جزئی تفسیر می شوند.متن زیر گویشی است درباره ی امام حسین علیه السلام، با تکیه بر نظریه ی [صفحه ۶۰] تاریخی:«صحرای سوزانی را می نگرم، با آسمانی به رنگ شرم و... می ترسم در سیمای بزرگ و نیرومند او» بنگرم، «او» که قربانی این همه زشتی و جهل است...اما هم چنان با انتظاری ملتهب از عشق و شرم، خیره می نگرم، شبحی را در قلب این ابر دود بازمی یابم، طرح گنگ و نامشخص یک چهره ی خاموش، چهره ی پرومته رب النوع اساطیری که اکنون حقیقت یافته است...و خطوط چهره خواناتر، هم اکنون سیمای خدایی او را خواهم دید. چقدر تحمل ناپذیر است دیدن آن همه درد، این همه فاجعه در یک سیما! سیمایی که تمامی رنج انسان را در سرگذشت زندگی مظلومش حکایت می کند.هم چون تندیس غربت و تنهایی و رنج، در صحرا از موج خون قامت کشیده و همچنان بر رهگذر تاریخ ایستاده است، نه بازمی گردد، که به کجا؟ نه پیش می رود، که چگونه؟ نه می جنگد، که با چه؟ نه سخن می گوید، که با که؟و... ایستاده است و تمامی جهادش این که نیفتد، هم چون سندانی در زیر ضربه های دشمن و دوست، در زیر چکش تمامی خداوندان سه گانه ی [صفحه ۶۱] زمین [۲۲] در طول تاریخ، از آدم تا خودش.» [۲۳] .

پاورقی

[۱] برای نمونه «نظریه ی بخشایش» از این دست است. در این نظریه، همه ی بلایای عاشورایی، خدمتی دانسته می شود به شیعیان علی علیه السلام، تا گناهانشان مورد بخشایش قرار گیرد و سرانجام به بهشت وارد شوند.

[۲] قدیمی ترین تقریر از این نظریه را، شیخ یوسف بحرانی ارائه داده است. رک به «الدره النجفیه» الشیخ یوسف البحرانی، ص ۸۵ تا ۸۷.

[۳] درباره ی شأن عظیم امامت، از امام رضا علیه السلام سخنان جامع و رسایی رسیده که مطالعه ی آن، برای درک معنای بلند امامت، بسیار مفید است. رک به اصول کافی، ج ۱، باب «نادر جامع فی فضل الامام و صفاته» ص ۲۸۷.

[۴] این معنای از «تعبدی» که معنایی متناسب از «توصلی» را در کنار خود دارد، در میان متقدمان مشهور بوده است. لکن برای «تعبد» و«توصل» معنای دیگری نیز هست که در این جا مراد نیست. تفصیل بحث را در کتاب های اصولی پی گیری فرمایید؛ رک به اصول الفقه، الشیخ محمد رضا المظفر، المجلد الاول، مباحث الالفاظ، ص ۶۶.

[۵] نکته ی مورد اتفاق درمورد علم امام، که همه شیعیان اثنی عشری یکصدا آن را قبول دارند علم امام، به همه ی احکام است. همه شیعیان گفته اند و می گویند که امام همه ی احکام الهی را می داند چنان که شیخ مفید رحمه الله و نیز علامه حلی رحمه الله اتفاق مذکور را نقل کرده اند. رک به بحارالانوار، الشیخ محمد باقر المجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳ ه ق، ج ۲، ص ۲۵۷ تا ۲۵۹.

[۶] «عصمت» از مسائل اساسی تشیع است که بحث برنمی دارد و از اصول مسلم و مشخصه و ممیزه ی تفکر شیعی به شمار می رود.

[۷] ظاهرا در اصل وجود آن پیش گویی ها اختلافی نیست.

بلکه هم اکنون نیز روایت های آن موجود است. ولی در مقدار آگاهی هایی که از آن پیش گویی ها درباره سرنوشت امام حسین علیه السلام، به دست می آمد، اختلاف وجود دارد. رک به تلخیص الشافی، شیخ الطائفه ابی جعفر الطوسی رحمه الله ج ۴، ص ۱۸۲.

[۸] کتاب «شهید جاوید» و همین طور سایر کتاب هایی که در برابر آن و برای رد آن پدید آمدند، همه چنین کرده اند.

[۹] علامه طباطبایی رحمه الله فرموده است: «امام علیه السلام به موجب اخبار کثیره مقامی از قرب دارد که هر چه بخواهد به اذن خدا می تواند بداند. و از آن جمله است علم به تفصیل مرگ و شهادت خود با جمیع جزئیات آن، و این مسأله هیچ گونه محذوری از راه عقل ندارد...» رک به شهید جاوید حسین بن علی علیه السلام، صالحی نجف آبادی، چاپ یازدهم، مقدمه ی کتاب، ص ۱۰. [

[۱۰] حقیقت آن است که برای چنین کسی راهی دیگر نیز وجود دارد. فی المثل «نظریه ی مدیریت» که به زودی شرح آن می آید، همانند نظریه ی تعبد، بر این مطلب تکیه دارد که امام علیه السلام، به پایان حرکت خویش دانا بود. گذشته از نظریه ی مدیریت، نظریه های دیگری هم وجود دارند که می توانند ما را از پناه بردن به دامان نظریه ی تعبد، بی نیاز سازند، ولی این اشکال را دارند که به دشواری اثبات می پذیرند. فی المثل برخی گفته اند تصمیم آن بود که فاجعه ی خونین کربلا به وجود بیاید تا بنی امیه رسوا و اسلام زنده شود. و یا گروهی دیگر از شیعیان گفته اند که این حادثه برای آن بود تا امام حسین علیه السلام به بالاترین درجه ی کمال نائل آید. و یا

در نظر دسته ی دیگر همه ی بلایای عاشورایی، خدمتی بوده است. به شیعیان علی علیه السلام، تا گناهانشان مورد بخشایش قرار گیرد و سرانجام به بهشت وارد شوند.

[۱۱] بحث درباره ی این قاعده فرصتی مستقل می طلبد که در آن فرصت، نظام تشریع الهی به تقریر درآید و توضیح بیاید.

[۱۲] در میان متقدمان، سید مرتضی رحمه الله، از این نظیه جانب داری کرده است. رک به تنزیه الانبیاء، السید الشریف المرتضی، ص ۱۷۵ تا ۱۷۷.

[۱۳] در این باره، مطالعه ی کتاب «امامت و رهبری» اثر استاد شهید مرتضی مطهری سودمند است.

[۱۴] درباره ی امکان براندازی، شرح جامعی در کتاب شهید جاوید، ارائه شده است. همان مصدر، ص ۳۰ به بعد، در آن کتاب، وجود همه ی عوامل پیروزی، با استناد به شرایط اجتماعی آن دوره و موقعیت خلافت اموی، مسلم دیده شد. ضعف حاکمیت اموی، رنجش و نارضایتی امت اسلامی، موافقت افکار عمومی، لیاقت رهبریتی چون ابی عبدالله علیه السلام و نیروهای داوطلب بسیار، همه از جمله ی عواملی بودند که در آن زمان می توانستند پایه های استقرار هر حاکمیتی را به لرزه در آوردند.

[۱۵] مرحوم علامه طباطبایی نیز در ادامه ی نقلی که از ایشان گذشت، بدین مطلب اشاره دارند. رک به همان نشانی. به هرروی شنیده نشده است کسی بگوید امامان علیهم السلام با عنایت به علم امامت زندگی میکرده اند

[۱۶] رک به مقدمه ی ابن خلدون، ص ۲۱۶.

[۱۷] رک به بررسی تاریخ عاشورا، سخنرانی های دکتر محمد ابراهیم آیتی، ص ۸۹. علاوه آن که، بی تردید به امام علیه السلام مصونیت و امنیت می بخشید، زیرا آزار و یا کشتن شخصی چون ابی عبدالله علیه السلام نه تنها هیچ مصلحتی را برای خلافت اموی تأمین نمی کرد، بلکه مشکلات و مسائل سیاسی و

نظامی دیگری را نیز برای آن پدید می آورد. پس این گونه نبود که چه با تسلیم و پذیرش و چه بدون آن، سرانجامی جز شهادت برای امام حسین علیه السلام نبود، بلکه می توانستند با پذیرش حاکمیت اموی امنیت خود را تأمین کنند. حال که دیده می شود حاکمیت اموی را نمی پذیرد و به خاطر فراهم نبودن قوا برای مبارزه به تدابیر دفاعی روی می آورد، معلوم می شود به دلیل انتخاب و برای حفظ مصالح اسلام بوده است.

[۱۸] برای کسب توضیح بیشتر، مطالعه ی کتاب زیر سودمند است: «الفوائد الفقهیه» ناصر مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۴۱.

[۱۹] درباره ی نظریه ی اصلاح، ر.ک به بررسی تاریخ عاشورا، همان نشانی.

[۲۰] این نظریه از سوی یکی از فضلای معاصر، مطرح و دفاع شده است. ایشان در شرح و اثبات نظریه شان، تحقیق مفصل و پی گیری انجام داده اند که نشر آن می تواند برای استفاده ی محققان مفید باشد. ایشان، طرح جامعه ای اسلامی را با مدیریت معصوم علیه السلام، تدوین کرده اند، که هنوز به چاپ نرسیده است. در این مختصر، «مدیریت ولایی» نمی گنجد. همین اندازه، برای این جا کافی است که بدانیم در نظر صاحب نظریه، امام حسین علیه السلام الگویی از مدیریت ولایی را ارائه داده است.

[۲۱] از نظر صاحب نظریه ی مدیریت، یهودیان خلافت را از جایگاه اصلی خود که پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده بود، نقل دادند و به دیگران سپردند. به عبارت دیگر همه ی فعالیت هایی که برای خانه نشین کردن علی علیه السلام و فرزندان پاک او صورت گرفت، به تحریک و تدبیر یهودیان بود.

[۲۲] صاحبان زر و زور و تزویر؛ که فرعون، نماینده ی زور و قارون نماینده ی زر و بلعم باعورا

نماینـده ی مذهب هست. این ها بافت واحدی دارند و در طول تاریخ با هم حرکت می کنند. این ها از نظر ایشان، سه خداوند زمین هستند که به طور دروغین، همواره خود را واسطه ی بین مردم و خدا و خدایان معرفی می کردند.

[۲۳] «حسین وارث آدم» ص ۳۲، تا ۳۶.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹